

بسم الله الرحمن الرحيم

6 - ماه رمضان، ماه فتوحات و پیروزی هاست

جنگ عین جالوت



الحمد لله الذي فتح أبواب الجنان لعباده الصائمين، والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين، المبعوث رحمة للعالمين وآله وصحبه الطيبين الطاهرين، ومن تبعه وسار على دربه، واهتدى بهديه واستن بسنته، ودعا بدعوته إلى يوم الدين.  
ترجمه: ثنا و صفت الله سبحانه وتعالى را که دروازه‌های جنت را بسوی بندگان روزه دارش باز کرده است و درود و رحمت بر رسول الله ﷺ که بهترین انبیاء و رسولان بوده و رحمت بسوی همه عالمیان فرستاده شده است. بر خانواده، اصحاب و دوستان او درود و رحمت و درود بر کسی که از او پیروی کرد و بر راه او قدم گذاشت و با هدایت از سوی الله سبحانه وتعالى تا قیام قیامت بر اساس منهج او ﷺ دعوت کرد.

اما بعد:

برادرانم در ایمان!

جنگ عین جالوت، جنگی است که در روز جمعه، پانزدهم ماه رمضان سال 658 هجری بوقوع پیوسته است. قدرت الهی خواست تا توسط این جنگ فلسطینیان را از شر و چنگ تزارها رهایی بخشد؛ زیرا آنان سایر سرزمین‌های اسلامی را تحت تسلط خویش درآورده بودند. صلاح الدین ایوبی قبلاً در مقابل صلیبیان پیروزی‌ها و فتوحات مشابهی را بدست آورده و این سرزمین را یک بار دیگر به حیث سرزمین اسلامی قرار داده بود. اما این بار، قطز، سلطان مصر پلان حمله بر تزارها را طرح کرد. چون آنها ناهنجاری‌های بسیاری را در سرزمین شام به میان آورده بودند. سلطان فرمانده نظامی خود الباسل یا رکن الدین (ببیرس) را دستور داد تا تهاجم خویش را بر نیروهای تزار در هر گوشه و کنار کشور آغاز و جلو شایعه پراگنی و پروپاگند آنان را بگیرد. ببیرس نیز مهارت خود را به اثبات رساند و خود را از نیروی کافی مطمئن ساخته و همه را به دور خود جمع کرد.

ببیرس گزارش خود را به قطز فرستاد، وی نیز در منطقه عین جالوت با او پیوست و فلسطین درین زمان میان بیسان و جنین واقع بود. قطز نیروهای شامی و مصری را درین محل نظم بخشیده و هر آن چیزی که نیاز بود برای جنگ با تزارها آماده ساخت و مجلس جنگی را دعوت کرد. رهبران نظامی این جنگ، گردهم آمده و پلان جنگ را طرح نمودند، یکدیگر شان را درین

مجلس به جنگ علیه تتارها تشویق کرده و اعمالی را که تتارها با مسلمانان انجام می‌دادند را یادآوری کردند؛ مثل: قتل، اختطاف زنان، به آتش کشیدن، دهشت افگنی و سایر اعمال زشت آنان را یکایک یادآوری کرده و عزم خویش را جزم کردند تا تتارها را از سرزمین مقدس شام اخراج کنند. به کمک مسلمانان و اسلام شتافته و از عذاب دردناک الله سبحانه و تعالی یکدیگر را ترساندند، این بود که مجلس قطز خیلی موثر تمام شد و امیران و رهبران جنگی قسم‌های شدیدی یاد کردند که در راه الله سبحانه و تعالی قربانی دهند و جهاد کنند.

### برادرانم در ایمان!

(کتبغا) معاون هلاکو پس از آن که از آمادگی نیروهای مصری و شامی علیه تتارها اطلاع یافت. او نیز آمادگی گرفت و به تمام نیروهای پراکنده خود در سراسر شام و مصر دستور داد تا صفوف شان را منظم و در منطقه عین جالوت یکجا شوند، این بود که روز جمعه، پانزدهم ماه مبارک رمضان سال 658 هجری، نیروهای مسلمان با نیروهای تتار مقابل گردیده و شکست فاحشی به آنان وارد کردند.

در صبح وقت روز دوم جنگ، تتارها توانستند یک بار دیگر به صفوف خود رسیدگی کرده و آن را نظم خاصی ببخشند و در یکی از مناطق بلند و کوهی میدان جنگ، سنگر گرفتند تا با استفاده از مزایای بلندی، هراس را در قلب مشاهده کنندگان ایجاد کنند. ولی باوجود آن عزم انتقام گیری را نیز در دل می‌پروراندند. آنها جنگ شدیدی به راه انداختند، صحنه جنگ خطرناک تر شد. در پهلوی آن، موقف گیری‌های قریه‌های همجوار منطقه عین جالوت، سبب ایجاد سروصدای گسترده در دره عین جالوت گردید.

### برادرانم در ایمان!

رسول الله ﷺ می‌فرماید: امام سپر است که از عقب وی جنگ شده و به او پناه برده می‌شود. زمانی که دو گروه با یکدیگر مقابل شدند، سلطان قطز شجاعت و مهارت خویش را یک بار دیگر ثابت ساخت و برای تقویت روحیه اردوی اسلام، خودش داخل جنگ شد. اسپاش جرات برداشت و سپس بصورت پیاده وارد جنگ شد. وقتی یکی از امیران او را دید، اسپ خود را به او تقدیم کرد؛ اما سلطان قطز از استفاده آن مبادرت ورزید و گفت: نمی‌خواهم تا مسلمانان را از استفاده تو در چنین مقطعه حساس ممانعت کنم. قطز، به همان شکل ادامه داد تا این که افرادی اسپ دیگری به او آوردند.

زمانی جنگ شدید شد، قطز همه چیز را به زمین زده و به صدای بلند یا اسلام! ندا سرداد و خودش به شدت و غلظت به سوی تتارها حمله‌ور شد. از این عمل او مسلمانان روحیه گرفته و با یک هجوم گسترده بسوی دشمن حمله‌ور شده کتبغا، رهبر آنان را از پا در آوردند. این امر سبب از بین رفتن روحیه تتارها گردید که در نتیجه هرج و مرج را در میان اردوی آنها بوجود آورد. زیرا کتبغا یکی از رهبران برجسته نظامی دشمن بود که در تدبیر و تفکر نظامی، همه قوماندانان و امیران جنگی به او تکیه می‌کردند. وی قبلاً مناطق عراق و فارس اشغال را کرده بود و هلاکو پادشاه تتار، او را امین خود ساخته و بدون مشوره او به هیچ کاری دست نمی‌زد.

### برادرانم در ایمان!

تتارها در این جنگ، به شکست سختی مواجه شده و از نتایج آن به شدت هراسان شدند. روی این ملحوظ، یک بار دیگر صفوف خویش را انسجام بخشیده و تلاش آغاز مجدد جنگ را به چرخ دادند. حملات پی در پی را بر مسلمانان آغاز کردند تا جایی که برخورد وسایل جنگی درین دره، حیثیت زلزله را به خود گرفت.

درین هنگام بود که قطز صدا بلند کرد و گفت: اسلام را نجات دهید! و سه بار این گفته‌ای خود را به صدای بلند تکرار کرد. خودش بصورت مستقیم در جنگ داخل شد، باز هم گفت: یاالله! قطز بندهات را پیروزی نصیب فرما! الله سبحانه و تعالی هم این فریاد او را شنید. دشمن شکست خورد و بسیاری از قهرمانان آن به کام مرگ فرستاده شدند. قطز از اسپ خود پائین شده و رخ بسوی قبله کرده چهره خود را با سجده به روی زمین خاک آلود کرد و برای ادای شکر پیروزی از الله سبحانه و تعالی، دو رکعت نماز به جا آورد.

### **برادرانم در ایمان!**

دو روز بعد از پایان جنگ، خبر فتح به شام رسید. آنان با شعارهای مملو از خوشی و پیروزی، این فتح را جشن گرفته و استقبال کردند و حکام تترار را از بین بردند. تترارها سرزمین شام را به مدت هفت ماه و ده روز تحت کنترل خود داشتند. بعد ازین، شجاعت و حماسه مردم شام بازهم زبان زد عام و خاص شد. بر ساختمان‌ها و دارایی‌های تترارها حمله‌ور شده و عذاب سختی را بر اشغال‌گران و خائنان چشانیدند. بعد از آن، سلطان قطز بسوی دمشق حرکت کرد، زمانی که به طبریه رسید، خبر فتح را به والی شام رساند و از مردم محل خواست تا نظم نظام را مراعات کرده و دستور داد تا حالت دولت رعایت گردد.

در ماه رمضان وارد دمشق گردیده و داخل قصر شد، مردم محل استقبال گرمی از او کردند و به این ترتیب خوشحالی فتح و پیروزی مسلمانان دو برابر شد. سلطان در دمشق بود که رکن الدین (ببیرس) را با نیروی گسترده بسوی شمال شام فرستاد تا تترارها را به یک بارگی براند و دولت را از شر آنان پاک سازد.

این فتح بزرگ، تأثیر عمیقی بر نفس‌های مسلمانان گذاشت و ترس شدیدی که فضای تترارها بر مسلمانان انداخته بود را از بین برد. هرچند تترارها شربت قربانی را نوشیده بودند، ولی زمانی که دریافتند، رهبری اردوی اسلامی به دست رکن الدین (ببیرس) می‌باشد و به حمص نزدیک شده است. همه مال‌های غارت شده و اشیای دزدی شده را رها کرده، محبوسین را آزاد و خواستار کمک در حفظ جان‌های خود شدند. به این گونه، اردوی اسلامی توانست اردوی تترار را شکست دهد. هلاکو که تصمیم راه اندازی جنگ شام را در ذهن می‌پرورانید، پس از کشته شدن کتبغا معاونش، ناامید گردید؛ زیرا آخرین تلاش‌هایش با خاک یکسان شد.

### **برادرانم در ایمان!**

چیزی که عظمت و بزرگی حادثه عین جالوت را برجسته می‌سازد، تنها مسئله مادی آن نیست، بلکه رهایی مسلمانان را نیز شامل می‌شود که از مقاومت در برابر نیروهای تترار می‌ترسیدند. بنابراین، این اولین ضربه مرگبار بر اردوی تترار در شرق بود، بلکه معجزه‌ی بود که هیچ کس توقع آن را نداشت و حتی گمان هم نمی‌کرد که ازین مرض رهایی یابند، تا این که عزم جهاد در برابر تترارها را گرفتند، مناطق خویش را آزاد کرده و دوباره ماموریت اصلی خود را در سراسر جهان حاصل کردند. الله سبحانه و تعالی آن روزها را مورد مرحمت خویش قرار دهد که مسلمانان آن، مسلمانان راستین بودند، و الله سبحانه و تعالی آن روزها را دوباره حاکم سازد تا اسلام و مسلمانان عزت از دست رفته خود را دوباره بدست آورده و کفر دوباره به همان ذلت و خواری خود برگردد.

### **در اخیر، ای برادرانم در ایمان!**

ان‌شاءالله تعالی که درین روزهای نیکوی ماه مبارک رمضان، چشمان ما با دیدن دولت خلافت شاد شود، تا ما به حیث عساکر اخلاصمند و وفادار آن قرار بگیریم که عزت، عظمت و مجد امت را احیاء می‌کند. به‌ذکر و اراده الله سبحانه و تعالی این آرزوی ما در زمان نزدیک به دستان ما در ماه مبارک رمضان حاصل شود و الله سبحانه و تعالی بر همه‌ای این امور مسلط، قوی و ذات بزرگ می‌باشد.

ای اللہ سبحانہ و تعالیٰ! چشمان ما را با تأسیس دولت اسلامی شاد بگردان و ما را به حیث عساکر اخلاصمند آن قرار  
بدہ!

آمین!

والسلام علیکم و رحمت اللہ تعالیٰ و برکاتہ.

\* \* \*

استاد محمد احمد النادی